



رنج بی پایان زنان روستایی

زنان افغانستان، به خصوص زنان روستایی شکل گرفته بود. اما به دلیل نبود ساختارهای مستحکم حمایت کنندهی زنان در داخل نظام نوتشکیل و در رأس بودن مردانی که نگاه درجه دوم به زنان دارند از یک سو و زنان تحصیل کردهی برگشته از غرب که نگاه پروژه‌ای به برنامه‌های زنان داشتند باعث شد میلیون‌ها دالر که از سوی جامعه جهانی جهت بهبود وضعیت زنان کمک شده بود به گونه‌ی درست آن به مصرف نرسد و تغییر آنچنانی

صفحه ۳

در میان چالش‌ها و ناهنجاری‌ها آن‌چه توجه مرا به گونه‌ی ویژه جلب کرد، زندگی رقت‌بار زنان روستایی بود. زنان روستایی در طول تاریخ از قشر محروم و تحت ستم جامعه‌ی سنتی افغانستان به شمار می‌رود. این زنان بیش‌ترین رنج سنتی بودن جامعه را به دوش می‌کشند و باورهای سنتی جامعه افغانستان زندگی را به کام این‌ها تلخ‌تر از زهر ساخته است.

بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی و شکل‌گیری حکومت جدید بارقه امید در چشمان اشک‌بار

به حساب می‌آید. قسمت زیادی از مردم روستا از آب‌های چشمه و دریاچه‌ها استفاده می‌کردند که به دلیل آلوده بودن آن موجب شیوع امراض گوناگون در میان اهالی روستا می‌گردید.

نامنی که در گذشته‌ها به قسمت‌های دوردست ولسوالی‌ها محدود می‌شد، حالا به روستاهای که نزدیک مرکز ولایت قرار دارند گسترش یافته بود و زندگی مأمورین ملکی و کارمندان نظامی مستقر در این روستاها را دشوار و در بعضی از روستاها قریب ناممکن ساخته بود.



دیدگاه

کجه لطیف آرش

سال قبل بعد از یک دهه به روستای خود رفتم. آن‌چه در رسانه‌ها در مورد بازسازی و بهسازی ولایت خویش دیده و شنیده بودم با واقعیت چندان سنخیت نداشت. اکثریت جاده‌های منتهی به ولسوالی‌ها و روستاها هنوز هم آسفالت نشده بود. کمبود و در بعضی روستاها نبود چاه‌های آب صحتی هنوز هم یکی از چالش‌های روستائینان

انکار واقعیت راه حل نیست؛ خانه‌ها باید برای زنان امن شود!

هفته‌نامه‌ی نیمرخ در شماره‌ی قبلی با رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت‌وگویی را انجام داد. در این گفت‌وگو رییس این کمیسیون از مستندی که از سوی این نهاد منتشر شده است سخن زده بود. بر بنیاد آن ۸/۹۵ درصد خشونت‌ها علیه زنان در خانه‌ها انجام می‌شود. بانو شهزاد اکبر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر کشور گفته بود که خانه «ناامن‌ترین» جای برای بانوان است. وقتی بانوان در خانه‌های شان مورد خشونت قرار می‌گیرند، نمی‌توانند به جای دیگری شکایت برند. میزان آسیب‌پذیری بانوان در جامعه بسیار بالاست و هیچ نهادی نیست که به گونه‌ی منصفانه این موضوع را پیگیری نماید. برای همین خشونت‌ها در خانواده‌ها به هنجارهای نهادینه شده مبدل شده و زندگی را برای بانوانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، تلخ و تلخ‌تر می‌سازد.

بازخورد این مطلب در رسانه‌های اجتماعی مایه‌ی تعجب و شگفتی ما بود. خوانندگان محترم نیمرخ در شبکه‌های اجتماعی که پای این مطلب دیدگاه گذاشتند، اکثریت شان بر این باور اند «وقتی که خانه ناامن‌ترین جای است، پس از این، بانوان در خانه زندگی نکنند، به جاده‌ها، هتل‌ها یا هم کافه‌ها بروند.» این رویه و رفتار کسانی است که دست کم درس خوانده‌اند و در فضای اجتماعی دیدگاه و نظر آریه می‌کنند، سواد خواندن و نوشتن هم دارند. عده‌ای هم کاربرد «ناامن‌ترین» را نادرست خطاب کرده و تأکید نموده‌اند که کاربرد این واژه‌ها و اصطلاحات با تأمل انجام شود.

نخست؛ نیمرخ به عنوان یک رسانه، وقتی با مسئولان نهادهای حکومتی و غیر حکومتی یا شخصیت‌های مطرح و صاحب‌نظر مصاحبه می‌کند، امانت‌داری را رعایت می‌نماید. رییس کمیسیون حقوق بشر با استناد به گزارش و مستندسازی‌هایی که این نهاد نشر کرده است، می‌گوید: «خانه ناامن‌ترین جای برای زنان در افغانستان است.» دلیل آن را نیز آریه می‌کند، خوانندگان گرامی می‌توانند به آن گفت‌وگو مراجعه کنند.

بعد؛ چرا همیشه به قضایا و موضوعات نگاه سیاه و سفید می‌شود؟ وقتی گفته می‌شود خانه «ناامن» یا «ناامن‌ترین» جای برای بانوان است، الزام پاسخ این نیست که باید خانم‌ها از خانه بیرون کشیده شوند! این نگاه،

صفحه ۲

زنان مدافع حقوق بشر؛ زنانی که برای حقوق بشر جان شان را به خطر می‌اندازند

اگر یک زن مدافع حقوق بشر به خاطر کار حقوق بشری خود مورد اذیت قرار گیرد، مردم او را مایه‌ی آبروریزی خانواده و جامعه تلقی می‌کنند. او به عنوان مدافع حقوق بشر باید بار سنگینی را نه فقط به خاطر لطمه‌ی مورد اذیت قرار گرفتن؛ بلکه به خاطر این تصور در میان جامعه‌اش که با کار حقوق بشری خود باعث آبروریزی اطرافیان شده است، تحمل کند. زنانی که می‌خواهند مدافع حقوق بشر باشند، حتی اگر موانع دیگری وجود نداشته باشد، با خشم خانواده و جوامع خود روبه‌رو می‌شوند و فکر می‌کنند که با فعالیت‌های حقوق بشری شان حیثیت و فرهنگ خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازند، این نگرانی برای زنان مدافع حقوق بشر همچنان ادامه دارد.

صفحه ۲



افزایش سقط جنین در دایکندی؛ آیا تأثیر کرونا است؟

گزارش

کجه لطیفه سادات موسوی



دچار خونریزی شدید شدم. وقتی به شفاخانه مراجعه کردم گفتند طفلت ضایع شده و دیگر نمی‌شود کاری کرد! بسیار ناراحت و مأیوس شدم. بسیار گریه کردم. تا حالا هم نتوانستم با موضوع از دست دادن طفلتم کنار بیایم. به مرکز مشاوره روانی مراجعه می‌کنم می‌گوید افسردگی شدیدی گرفته‌ام و باید چندین جلسه با روان‌شناس داشته باشم.»

حنیفه می‌گوید تاکنون خستگی‌های مفرط و اضطراب با او همراه است و شب‌ها نمی‌تواند بخوابد.

زهرای ۳۲ ساله بانوی دیگر است که پس از ابتلا به ویروس کرونا جنین شش ماهه‌اش را از دست داده است. زهرا در شهر نیلی زندگی می‌کند و چهار کودک دارد. او که پیش از این فرزندان سالم به دنیا آورده است، سقط جنین‌اش را تأثیر ابتلا به کرونا می‌داند.

زهرا گفت: «بسیار خوشحال بودم که دوباره صاحب طفل میشم اما یک روز دچار جان‌دردی شدیدی شدم که هیچ وقت تجربه نکرده بودم. سرفه شدید داشتم و همین طور نفس‌تنگی. خانواده‌ام گفتند که به کرونا مصاب شدیم. باور نکردم. برای تست کرونا به شفاخانه هم رفتم. بسیار می‌ترسیدم از اینکه بگویند نتیجه آزمایش مثبت است. ولی علایم آن همه علایم کرونا بود. بدبختانه بعد از یک هفته جنین‌ام سقط شد.»

صفحه ۳

شماری از بانوان در ولایت دایکندی می‌گویند پس از ابتلا به ویروس کرونا جنین‌های شان سقط شده‌اند. این بانوان به هفته‌نامه نیمرخ می‌گویند که مراجعه به مراکز صحتی نیز نتوانسته جنین شان را نجات دهد. اثرهای کرونا و افسردگی ناشی از سقط جنین وضعیت ناگوار صحتی و روانی را برای این بانوان در پی داشته است.

حنیفه بانوی ۲۸ ساله است که در زمان شیوع ویروس کرونا در ولایت دایکندی باردار بوده است. او به هفته‌نامه نیمرخ گفت بعد از سپری نمودن یک دوره مریضی دشوار جنین شش ماهه‌اش را از دست داده است: «زمانی که ویروس کرونا در دایکندی پیدا شد حامله بودم. بسیار احتیاط می‌کردم که به کرونا مبتلا نشوم اما نمی‌دانم چگونه اتفاق افتاد که دچار سردردی شدید، تهوع و جان‌دردی بسیار شدید شدم. هر روز به شفاخانه می‌رفتم که سیروم و پیچکاری‌های تقویتی تزریق کنم. بعد به ذهنم رسید که یکبار آزمایش کرونا بدهم. متأسفانه نتیجه‌ی آزمایشم مثبت آمد. با روحیه‌ی بلند و تقویت زیاد با میوه و سبزی نتوانستم صحت‌یاب شوم. ولی بعد از گذشت دو ماه دیگر

خشونت با زنان در افغانستان؛

«روند رسیدگی به قضایای خشونت بهتر شده است»

گزارش

کجه حسین احمدی و عادلہ آذین

دادخواهی برای قضایا را دارند. مرجع اصلی برای رسیدگی به قضایای خشونت با زنان نهادهای عدلی و قضایی است؛ دادستانی و دادگاه. برخلاف آمارهای آریه شده از سوی این نهادها، دادستانی کل کشور می‌گوید فقط ۲۰۸ پرونده خشونت با زنان در دفترهای این نهاد ثبت شده است که تعدادی برای فیصله به دادگاه

در گزارش ده ماهه‌ی خشونت با زنان در افغانستان که از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر منتشر شد، آمده که از اول ماه جنوری تا اکتبر ۲۰۲۰ میلادی به تعداد ۳۴۷۷ مورد خشونت با زنان در دفترهای این کمیسیون ثبت شده است.

وزارت امور زنان، اما رقم بیشتر، بلکه

وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر و دادستانی کل از جمله نهادهایی هستند که همه ساله در جریان کمپاین جهانی شانزده روزه منع خشونت با زنان، هشت مارچ (روز زن) و اواخر سال مالی با تدویر کنفرانس‌های خبری اعداد و آمارهایی را به رسانه‌ها می‌دهند که تعداد خشونت‌های یک ساله علیه زنان را نشان می‌دهد.



امسال نیز کمیسیون مستقل حقوق بشر و وزارت امور زنان آمارهایی را آریه کردند که نشان می‌دهد رقم ثبت خشونت‌ها به خاطر قرنطین کرونا و عدم دسترسی زنان به مراجع کاهش یافته ولی تعداد قضایای خشونت با زنان در کشور همسان با آمارهای جهانی افزایش یافته است.

قانون منع خشونت علیه زنان تصویب ۱۳۸۸ خورشیدی، ۲۲ مورد را مشخص کرده است که ارتکاب آن خشونت شمرده می‌شود. بارزترین گونه‌های خشونت با زنان در افغانستان شامل خشونت فیزیکی، خشونت جنسی، خشونت زبانی و روانی، خشونت اقتصادی، اخراج از منزل، ازدواج اجباری، ازدواج زودهنگام، ممانعت از حق انتخاب همسر، بد دادن و بدل دادن، ممانعت از حق تحصیل می‌باشد که نهادهای مسؤول آن را ثبت می‌کنند.

نزدیک به دو برابر آن را به ثبت رسانده است. وزارت امور زنان در همین بازه زمانی ۷۲۰۳ قضیه‌ی خشونت با زنان را در ۳۴ ولایت کشور ثبت کرده است. این نهادها که فقط مسؤولیت ثبت و

فرستاده شده و شماری هم در حال طی مراحل قانونی است. معینت پالیسی و مسالکی وزارت امور زنان می‌گوید برنامه‌های آگاهی‌دهی که از

صفحه ۳

زنان مدافع حقوق بشر؛

زنانی که برای حقوق بشر جان شان را به خطر می اندازند

حمله علیه مدافعان حقوق بشر و حتا از ثبت آن خودداری می کند و محاکم نسبت به محاکمه ای این مرتکبان بی تفاوتی نشان می دهند.

عدم اقدام مقام‌ها گاهی به تداوم، تکرار یا بدترشدن تخطی حقوق بشری همراه با تهدید به مرگ به‌طور مکرر که در نهایت به قتل مدافعان حقوق بشر می‌انجامد، اجازه داده است. زنان مدافع حقوق بشر برای حفظ ارزش‌های حقوق بشری در جامعه افغانستان فعالیت می‌نمایند که باید مورد حمایت خانواده، دولت و نهادهای مصوونیت حقوق بشری ملی و بین‌المللی قرار بگیرند تا نتیجه‌ی کار زنان مدافع حقوق بشر زمینه‌های بهتر زندگی را برای زنان در هر گوشه و کنار افغانستان فراهم بسازد.

ادامه رویکرد

انکار واقعیت راه حل نیست؛ خانه‌ها باید برای زنان امن شود!

مگر مهر تأیید بر خشونت‌ورزی پندار و رفتار ما نیست؟ آیا نفس چنین برخوردی بیانگر پندار ذهن‌های خشونت‌گر نیست؟ وقتی گفته می‌شود خانه جای ناامن برای بانوان است، چرا به اصلاح فضای خانواده تأکید نمی‌شود که کانون خانواده از جهنم خشونت‌ها به بستر صمیمیت و رفتار انسانی تبدیل شود تا بیرون کشیدن خانم‌ها از خانه!

خشونت با زنان در افغانستان یک واقعیت غیرقابل انکار است. با بازتر شدن فضا و آگاه شدن زنان هر سال شدت و میزان انواع خشونت‌ها بیش‌تر تبارز پیدا می‌کند. همه ساله آمار خشونت‌ها با زنان رو به افزایش است. این افزایش آمار از یکسو نشانگر وضعیت ناگوار زنان در افغانستان است، اما از سوی دیگر نمایانگر آگاهی زنان است که دیگر در مقابل خشونت‌ها خاموش نمی‌نشینند و برای اعاده‌ی حیثیت و دسترسی به عدالت، قضایای خشونت را در نهادهای حامی زنان و مراجع مسؤول حکومتی ثبت می‌کنند.

نیم‌رخ یک رسانه است؛ بی‌طرف و مسلکی عمل می‌کند. اما نیم‌رخ فقط یک رسانه نیست! یک نهاد حامی زنان هم است. ما مسؤولیت داریم تا بیش از هر رسانه‌ای دیگری بر مسایل مرتبط به زنان کنجکاوانه بپردازیم. موضوعاتی که از نگاه دیگران یک امر عادی است، برای نیم‌رخ و همین‌طور دیگر حامیان حقوق زنان یک مسأله است. خشونت با زنان در خانه یک مسأله‌ی مهم است. نهادهای دولتی و حامی زنان همه ساله از ثبت هزاران قضیه‌ی خشونت با زنان خبر می‌دهند که اکثریت مطلق آن‌ها در خانه اتفاق می‌افتد. ما این مسایل را به عنوان یک رسانه با جزئیات بازنمای می‌دهیم تا امکان ایجاد گفت‌وگو در متن جامعه فراهم شود.

آنچه از بررسی بازخوردهای مخاطبان نیم‌رخ در مورد گزارش‌هایی از این دست درمی‌یابیم این است که تلاش برای انکار واقعیت و تشویق زنان به سکوت هنوز مهم‌ترین گزینه‌ی دم دست جامعه است که می‌خواهند بر زنان تحمیل کنند. اما عصر سکوت گذشته است. واقعیت‌ها را باید گفت؛ هرچند که پذیرش واقعیت برای جامعه سخت باشد. این تنها راه برون رفت زنان از چنگال خشونت است. خشونت‌ها و محدودیت‌ها با تمام جزئیات آن: انواع، عوامل، دلایل، علت‌ها و آمار آن حل کاهش خشونت‌ها شناسایی مکان و عامل خشونت است. این یک واقعیت است که خانه برای زنان ناامن است. اما چه کسی خانه را برای زنان ناامن ساخته؟ این اصلی‌ترین پرسشی باید باشد که پس از خواندن «خانه: ناامن‌ترین جای برای زنان در افغانستان» به ذهن ما متبادر شود. اما هنوز به جای اینکه از خود ببرسیم چرا خانه ناامن است؟ بر کسی تاخته می‌شود که این شرمساری جامعه را هویدا کرده است.

بیش‌تری می‌گیرند؛ اما زنان نیز از این نقش برای تقویت کار شان به عنوان مدافعان حقوق بشر بهره می‌برند؛ طورمثال جایی که «مادران مفقودالائرها» سازمان‌های حقوق بشری تشکیل می‌دهند. این حقیقت که آن‌ها مادران قربانیان نقض حقوق بشر اند، نقطه اتکای مهم و وسیله دفاعی خوبی برای این مدافعان حقوق بشر فراهم کرده‌است. نمونه‌های بارز آن را می‌توان در افغانستان نیز یافت.

پیچیدگی‌هایی که گاهی روی قضیه خاص حقوق بشری اثر می‌گذارد، ممکن است فشارهای استثنایی را روی زنان مدافع حقوق بشر بگذارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها الزام زنان به تعظیم نسبت به مردان در مکان عمومی می‌تواند مانعی باشد آشکارا، برای زیر سوال بردن اعمال مردان که در بسیاری از موارد ناقض حقوق بشر هستند. همین‌طور تقسیرهای خاص از متون مذهبی صورت می‌گیرد که قوانین یا رسمی را که تأثیر عمده روی حقوق بشر دارد، مشخص سازد. زنان مدافع حقوق بشر که می‌خواهند چنین قوانین، رسوم و اثرهای منفی آن‌ها بر حقوق بشر را به چالش بکشند، بیش‌تر به دلیل زن‌بودن، به‌عنوان مقام صالح برای تفسیر چنان متون مذهبی پذیرفته نمی‌شوند. در نتیجه این زنان مدافع نمی‌توانند در یک شرایط مساوی با مردان به استدلال‌هایی که علیه شان استفاده می‌شود، بپردازند. دوباره آن‌ها هم با دشمنی جامعه‌ای که در آن باید زندگی کنند، مواجه می‌شوند. چالش‌ها پیش روی زنان مدافع حقوق بشر نیازمند درک و تحلیل وسیع‌تر از آن‌چه که مردان با آن مواجه اند، می‌باشد.

زنان مدافع حقوق بشر در افغانستان با موانع خود ساخته؛ موانع خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند. جایی که قوانین و مقررات اداری به‌صورت نادرست اعمال می‌شود؛ به‌گونه مثال: مدافعان حقوق بشر را از گردهمایی‌ها ممانعت می‌کنند، مقام‌های دولتی در اجرای این مقررات، مسؤولیت عمده را به عهده دارند. برخی مقام‌های محلی ساده به ناحق مدافعان را به تخطی‌های اداری می‌کشاند و از آن به عنوان منبای دست‌گیری، توقیف و محکومیت بعدی استفاده می‌کنند. در بسیار از ولایت‌های افغانستان زنان مدافع حقوق بشر آزادانه فعالیت نمی‌توانند؛ حکومت‌های محلی مانع فعالیت آن‌ها می‌شوند و فضای تنگ و تاریک سبب می‌شود آنان ولایت و وطن خودشان را ترک نمایند. زنان مدافع حقوق بشر از محدودیت‌ها در برابر فعالیت‌های شان تا تهدید به مرگ شرایط ناهنجار را در افغانستان تجربه می‌کنند. متأسفانه میکانیزم دفاعی مشخص از مدافعان حقوق بشر در افغانستان وجود ندارد. در بسیاری اوقات کسانی که حقوق «زنان مدافع حقوق بشر» را نقض می‌کنند ناشناخته می‌مانند و یا بنابر عدم تطبیق قوانین و سادان‌نگاری حکومت قضایای مربوط آن‌ها پنهان می‌ماند.

شناسایی قطعی مرتکبان بعضی از اعمال علیه زنان مدافع حقوق بشر، مثل تهدید به مرگ از سوی فرد ناشناس مشکل می‌باشد. در چنین وضعیت‌ها و نیز در هر مورد نقض حقوق بشر مقام‌های مربوطه دولتی مسؤولیت تحقیق اعمال ارتكابی، در صورت نیاز ارایه حمایت موقتی و تعقیب عاملان را به‌عهده دارند. در جایی که مقام‌های دولتی به این مسؤولیت خود عمل نمی‌کنند، از وظایف خود کنار می‌روند. پولیس در عمل، به‌خصوص در بعضی از ولایت‌ها گاهی از اقدام و در مورد شکایت‌های

سنتی زنان می‌نگرند. در چنین مواردی مقام‌های دولتی از حمایت مناسب زنان مدافع حقوق بشر و فعالیت‌های شان در برابر نیروهای اجتماعی که آن‌ها را تهدید می‌کنند، عاجز می‌مانند. در افغانستان نقش سنتی زنان به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر فرهنگ جامعه تلقی می‌شود. این مسأله به‌خصوص از این‌که آن‌ها بعضی جنبه‌هایی از سنت و فرهنگ را که ناقض حقوق بشر است، زیر سوال می‌برند و با آن مخالفت می‌کنند کار را برای زنان مدافع حقوق بشر دشوارتر می‌کند؛ در میان مثال‌های متعدد نایدید گرفتن زنان در تحرکات اجتماعی و بد دادن زنان مثال خوبی برای چنین رفتارهای سنتی می‌باشد. همین‌طور بسیاری از زنان به نظر جامعه مردسالار به‌عنوان جزئی از خود جامعه تلقی می‌شوند. اگر یک زن



مدافع حقوق بشر به‌خاطر کار حقوق بشری خود مورد اذیت قرار گیرد، مردم او را مایه‌ی آبروریزی خانواده و جامعه تلقی می‌کنند. او به‌عنوان مدافع حقوق بشر باید بار سنگینی را نه فقط به‌خاطر لطمه‌ی مورد اذیت قرار گرفتن؛ بلکه به‌خاطر این تصور در میان جامعه‌اش که با کار حقوق بشری خود باعث آبروریزی اطرافیان‌ش شده‌است، تحمل کند. زنانی که می‌خواهند مدافع حقوق بشر باشند، حتا اگر موانع دیگری وجود نداشته باشد، با خشم خانواده و جوامع خود روبه‌رو می‌شوند و فکر می‌کنند که با فعالیت‌های حقوق بشری شان حیثیت و فرهنگ خانواده و جامعه را به‌خطر می‌اندازند. این نگرانی برای زنان مدافع حقوق بشر همچنان ادامه دارد. هرچند که در سراسر جهان مردان در نگهداری از وابستگان مسؤولت

نقطه عطف دیگر است که مایه دلگرمی مدافعان حقوق بشر به پیگیری این جنایات و عاملان آن‌ها شده است.

با ختم ده دور گفت‌وگوها مستقیم میان آمریکا و طالبان در سال ۲۰۱۹، و از سرگیری آن در سال ۲۰۲۰ اکنون موضوع صلح و مصالحه یک بار دیگر زبان‌زد همه محافل اجتماعی و سیاسی افغانستان گردیده است. این امر مستلزم موضع‌گیری و انسجام بیش‌تر زنان مدافع حقوق بشر پیرامون حفظ دست‌آوردهای حقوق بشری افغانستان می‌باشد که طی سالیان اخیر مردم این کشور با آن نایل گردیده اند. این دست‌آوردها مثل آزادی بیان، مشارکت زنان، آزادی‌های سیاسی و مدنی و غیره می‌باشد.



پارادوکس صلح و جنگ مانند پارادوکس پرداختن به موضوعات حقوق بشری در گفتمان صلح و مصالحه است. زیرا قبولاندن جایگاه ارزش‌های حقوق بشری بالای کسانی که سالیان مدید در خشونت‌ها و نقض حقوق بشر نقش داشته‌اند در میز گفت‌وگوها کار دشوار است. زنان مدافع حقوق بشر در این برهه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز مسؤولیت خطیر را برای حفظ این ارزش‌ها در پیش دارند.

با وجود اینکه زنان مدافع حقوق بشر باورمند هستند که ساختارهای حامی بین‌المللی حقوق بشر مانند سازمان ملل متحد در برابر تنازل از رعایت این ارزش‌ها در گفتمان صلح حاضر به هیچ‌گونه عقب‌نشینی و چشم‌پوشی نیستند اما نگران هستند که سیاست و بازیگران سیاسی همواره در این بحث چالش‌هایی را به وجود آورده می‌توانند.

جایگاه زنان مدافع حقوق بشر، امروزه در جامعه افغانستان به رسمیت شناخته شده است. توقع می‌رود که با وجود سناریوهای غیر قابل پیش‌بینی در اوضاع سیاسی مملکت، این قشر ارجمند همچنان درخشند و مدافع حقوق بشری مردم باقی بمانند. زنان مدافع حقوق بشر با چالش‌های زیادی مقابله هستند.

در کشوری مثل افغانستان فضا برای زنان مدافع حقوق بشر تنگ و تاریک است. زنان مدافع حقوق بشر با فشارهای متفاوت از وضعیت مردان مواجه می‌شوند و بنابراین، نیازمند حمایت خاص می‌باشند.

پس از گروه‌های مخالف ارزش‌های حقوق بشری، در بسیاری از موارد دولت مرتکب اولیه‌ی تهدیدها علیه مدافعان حقوق بشر است؛ اما زنان مدافع حقوق بشر بیش‌تر دریافته‌اند که حق شان توسط اعضای جامعه‌ی خودشان نقض می‌شود. جامعه سنتی افغانستان از فعالیت‌های زنان مدافع حقوق بشر خوش‌شان نمی‌آید و با آن فعالیت‌ها به‌عنوان چالشی در برابر برداشت شان از نقش

مدافعان حقوق بشر به افراد و گروه‌هایی گفته می‌شود که به صورت فردی و یا در همکاری با دیگران در زمینه‌ی داد خواهی مسایل حقوق بشری در جامعه فعالیت می‌کنند. این طیف از افراد از زنان و مردان با فعالان سیاسی از این جهت فرق دارند که کار آن‌ها به طرفداری از یک گروه خاص سیاسی نیست بلکه دنبال حراست و تقویت ارزش‌های جهان شمول انسانی به نفع تمام افراد اجتماع می‌باشد.

بنابراین، هر فرد یا گروهی از افراد که برای بهبودی حقوق بشر کار می‌کنند، از سازمان‌های دولتی مستقر در بزرگ‌ترین شهرهای جهان گرفته تا افرادی که در جوامع محلی شان کار می‌نمایند، همه می‌توانند مدافعان حقوق بشر باشند. مدافعان می‌توانند از هر جنس، سنین مختلف، از هر گوشه‌ی جهان و دارای هر نوع تخصص یا با هر نوع سابقه کاری باشند. به‌خصوص این نکته اهمیت دارد که بدانیم مدافعان حقوق بشر فقط در سازمان‌های بین‌الدولی یا سازمان‌های غیردولتی یافت نمی‌شوند؛ یا تنها مردان نیستند، زنان نیز می‌توانند مدافعان حقوق بشر باشند. همچنین در برخی موارد، ممکن است این مدافعان از جمله مقام‌های دولتی، کارمندان ملکی یا اعضای بخش خصوصی باشند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سایر اسناد به شمول اعلامیه مدافعان حقوق بشر (۱۴۴/۵۳) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ به تقویت جایگاه و عطف توجه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد بر حمایت از مدافعان حقوق بشر پرداخته است. در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان، ما شاهد شکل‌گیری و رشد فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر تنها پس از کنفرانس بن و ایجاد حکومت موقت از سال ۲۰۰۱ میلادی تا به امروز می‌باشیم؛ زیرا تا آن زمان بنا بر استیلاي شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی زمینه‌ی تبارز فعال مدافعان حقوق بشر به‌خصوص زمینه‌ی فعالیت زنان مدافع حقوق بشر مساعد نگردیده بود. جامعه‌ی سنتی نیز برای پذیرش کار زنان مدافع حقوق بشر آماده نبود. متأسفانه تا هنوز هم زنان مدافع حقوق بشر با انواع مشکل و ناهنجاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

با ایجاد و گسترش رسانه‌های ملی و محلی، نهادها و شبکه‌های جامعه مدنی و مراکز علمی و نیز دسترسی فرارزی مردم به ویژه جوانان به شبکه‌های فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، به تعداد و میزان فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر در افغانستان افزوده شد. امروز صدها تن فعالان و مدافعان حقوق بشر در زمینه‌های مختلف چون حقوق زنان، اطفال، بیجاشدگان، زندانیان، اقلیت‌های قومی و زبانی، حقوق و آزادی‌های مدنی و سایر ارزش‌های حقوق بشری فعالیت می‌کنند که زنان در این میان نقش معنادار را ایفا می‌نمایند.

یکی از بحث‌های مهمی که مدافعان حقوق بشر افغانستان طی سال‌های اخیر به آن توجه داشته اند بحث مشارکت زنان در اجتماع و سیاست می‌باشد که به اساس قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد همه دولت‌ها و به ویژه کشورهای مانند افغانستان برنامه‌های مشخص ملی را در این زمینه تصویب و تطبیق نموده‌اند.

مدافعان حقوق بشر به‌خصوص زنان مدافع حقوق بشر در افغانستان فراز و فرودهایی را در این بحث طی سالیان بعد از کنفرانس بن تجربه نمودند. این تلاش‌ها مرحله حمایت و جانبداری جامعه بین‌المللی از داعیه‌ی قربانیان جنایات جنگی دوران حکومت‌های کمونیستی، مجاهدین و پس از آن را به وجود آورد. حمایت بین‌المللی از داعیه‌ی قربانیان جنایات جنگی در نتیجه‌ی برنامه‌ی عمل «صلح، عدالت و امنیت» به میان آمده بود که تطبیق آن تا سال ۲۰۰۶ پیش بینی شده بود.

مرحله دوم، تصویب قانون عفو مصالحه از سوی پارلمان در سال ۲۰۰۸ بود که این داعیه حمایت سیاسی و حقوقی خود را تا حد زیادی از دست داد. مرحله سوم، مرحله تداوم جنایات هولناک جنگی است که در بسا مواقع طی سالیان اخیر در شهرها و همچنان در ولایت‌ها و نقاط دور افتاده شاهد وقوع آن‌ها بوده‌ایم. فراخوان محکمه جنایات جنگی بین‌المللی که افغانستان از سال ۲۰۰۳ عضو آن می‌باشد در سال ۲۰۱۸ برای پیگیری جنایات جنگی به شمول جنایات سر‌بازان خارجی

ادامه از صفحه ۴

زنان در مسیر تاریخ

پایین می‌آورد:

«در بین دختران «ترس از موفقیت» به همراه سن آنان بالا می‌رود و در ۱۵ سالگی، زیر فشار اجتماعی فرزانده برای وابسته ساختن اجتماعی زنان به اوج خود می‌رسد. همچنین پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که نتیجه تست‌های عمومی هوش برای کودکان همنسن، با توجه به جنس کودک دچار تغییر و تحولاتی می‌شود. دختر بچه‌های آمریکایی در دوره پیش از دبستان در تست‌های عمومی هوش، نتیجه‌ی بهتر از پسرها به دست می‌آورند، اما اگر همین بچه‌ها را طی سال‌های مدرسه زیر نظر بگیریم، درمی‌یابیم که پیشرفت پسرها سریع‌تر از دخترهاست و به هنگام ورود به دبیرستان، موفقیت پسرها در تست‌های عمومی هوش بیش‌تر از دخترهاست.» (یکبار با تبعیض جنسی ص ۷۳/۷۲)

شخصی و بهداشتی او در کلاس پخش شود.» (زن کدیور ص ۲۸)

اعتماد به نفس از جمله مواردی است که ربطی به جنسیت افراد ندارد و هرکسی با توجه به شخصیت خود می‌تواند از آن برخوردار باشد یا نباشد ولی تلاش‌های وسیع و سازمان یافته مردان برای تأثیر گذاشتن و ضعیف جلوه دادن برگرفته از آموزش‌های جنسیتی است که خانه، جامعه و مدرسه سه رکن اساسی آن به حساب می‌آید. این آموزش‌ها که مردان را جسور، توانا و قوی نشان می‌دهد، در مقابل می‌کوشد که دختران را ترسو، احمق، نادان و ناتوان به تصویر بکشد. این نوع رفتارها که در بسیاری از جوامع توسط زنان هم بروز می‌کند، در آینده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ملل نقش دارد و نصف جمعیت جهان را با مشکل مواجه کرده و انگیزه، امید به آینده و عزت نفس را در آنان

خشونت با زنان در افغانستان؛

«رئیس رسیدگی به قضایای خشونت بهتر شده است»

سوی این وزارت در سطح ولسوالی‌ها راه‌اندازی شده در کاهش خشونت مؤثر بوده، اما بازم زنان افغانستان یک سال خشونت‌باری را پشت سر گذاشتند.

سال گذشته در همین روزها، وزارت امور زنان گزارش داد که طی یک سال ۸۵۳۲ زن در سراسر کشور پس از تجربه‌ی گونه‌های مختلف خشونت به ریاست‌های امور زنان مراجعه کرده و شکایت نموده‌اند.

امسال، اما قرنطین ناشی از شیوع ویروس کرونا و عدم دسترسی زنان به مراجع، باعث شده که این وزارت رقم کمتری را به نشر برساند.

سپوژمی وردک، معین پالیسی و مسالکی وزارت امور زنان در کنفرانس آغاز کمپاین منع خشونت گفت: در سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی، ۷۲۰۳ مورد خشونت با زنان به ثبت رسیده که شامل خشونت‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، خشونت‌های حاد و خشونت جنسی می‌باشد. این وزارت، اما شاکي است که خشونت‌های حاد افزایش یافته است: ۱۱۹ مورد قتل، ۵۹ مورد تجاوز جنسی و ۱۳ مورد جراحت در مدت کم‌تر از یک سال.

اما کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید آمارهای کلی خشونت با زنان نسبت به سال گذشته ۱۱ درصد کاهش یافته است.

با وجود کاهش ۱۱ درصدی، بازم ۳۴۷۷ مورد خشونت با زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر ثبت شده که ۹۵ درصد این خشونت‌ها در داخل خانه و از سوی اعضای خانواده و بستگان نزدیک زنان اعمال شده است. شبنم صالحی، کمیشنر کمیسیون مستقل

حقوق بشر در برنامه‌ی گزارش‌دهی ده ماهه‌ی این کمیسیون گفت طی ده ماه سال ۲۰۱۹ میلادی، به تعداد ۳۹۱۰ مورد خشونت با زنان در بانک اطلاعات کمیسیون ثبت شده بود.

این آمارها نشان می‌دهد که بیش‌تر خشونت‌ها خانوادگی است. حکومت برای رسیدگی بهتر برای قضایای خشونت علیه زنان به ویژه خشونت‌های خانوادگی، محاکم خاص رسیدگی به خشونت علیه زنان را ایجاد کرده است.

رحیمه رضایی، رئیس استیناف محکمه فامیلی است. خانم رضایی در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «در محاکم خاص رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان و ستره محکمه، همه ساله رقم پرونده‌های خشونت با زنان در حال افزایش است.»

او افزود که دلیل افزایش آمار قضایای خشونت با زنان، آگاهی زنان از حقوق شان و فراهم شدن امکان دسترسی زنان به نهادهای عدلی و قضایی و نهادهای حامی حقوق زنان است.

ثبت و مستندسازی می‌شود به دادگاه‌ها راجع می‌شود.

مسئولان دادستانی و محکمه از بهبود روند رسیدگی به پرونده‌های خشونت با زنان خبر می‌دهند.

خانم رحیمه رضایی، رئیس استیناف محکمه



فامیلی گفت: «به تمامی پرونده‌هایی که در این اداره مواصلت می‌ورزد رسیدگی صورت می‌گیرد.» اما کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید بسیاری از مرتکبین جرم و عاملان خشونت با زنان اصلن توسط پولیس دستگیر نمی‌شوند.

شبنم صالحی، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت: «امسال ۲۸۱ مورد خشونت حاد از قبیل قتل، تجاوز، اختطاف و خودکشی صورت گرفته است. ما این گزارش‌ها را به نهادهای اجرایی راجع می‌کنیم. از این جمله در ۱۶۷ مورد زنان از سوی اعضای خانواده‌های شان کشته شده‌اند. عاملان ۱۲۳ قضیه توسط پولیس بازداشت شده و عاملان ۱۵۸ قضیه دیگر هنوز

شده است.»

به طور اوسط حدود چهار ماه طول می‌کشد تا یک پرونده در دادستانی و دادگاه‌های افغانستان از مرحله‌ی ثبت به فیصله محکمه برسد. اکنون محکمه‌های اختصاصی احوال شخصیه، محاکم اختصاصی برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان-محاکم فامیلی و محاکم عادی همه در بخش‌های مختلف برای رسیدگی به پرونده‌های خشونت کار می‌کنند. در شماری از ولایت‌ها نیز نمایندگی‌های محاکم اختصاصی وجود دارد.

مواردی از خشونت که نهادهایی مثل حقوق بشر، امور زنان و دادستانی و یا اداره‌های پولیس

رنج بی پایان زنان روستایی

شده است.

فردا صبح زود بعد از خوردن صبحانه با پدر این خانواده به مزرعه‌ی این خانواده که آن‌سوی دریاچه قرار داشت رفتیم. بالای دریاچه پل سمنی و یا چویی قرار نداشت. از همین رو از میان رودخانه گذشتیم که خاطرات دوره‌ی کودکی را در من تازه کرد.

در مزرعه‌ی کوچکی زن میان سالی مصروف درو کردن گیاهان هرز از میان گرد پیازچه‌ها بود. صورت زن چین و چروک‌های زیادی برداشته بود و کم‌رنگ کمی خمیده به نظر می‌رسید. هرچه بر حافظه‌ام فشار آورد او را به یاد نیارم. از مردی که هم‌رایش آمده بودم پرسیدم، وقتی نامش را گرفت شناختمش. چند سال قبل شوهرش در یک تصادف موتر کشته شده بود و دو پسرش که در ارتش ملی وظیفه داشتند نیز در جنوب کشور کشته شده بودند. حالا مسوولیت خانه به شمول دو زن بیوه و چندین یتیم به دوش همین زن بود که از طریق همین مزرعه و می‌غذاری چرخه‌ی اقتصادی خانواده را به گردش درآورده بود. با دیدن این خانم به یاد صلح و خیرهای گفت‌وگوهای دوحه افتادم که در این روزها به سرخط خیرها مبدل شده بود. با خود اندیشیدم که نمایندی این زنان در کجای این پروسه قرار دارد و آیا زنانی که در دوحه به سر می‌برند از درد این زنان و هزاران زنان رنج‌کشیده‌ی روستایی چیزی می‌دانند؟

ادامه از صفحه ۱

در زندگی زنان افغانستان به ویژه زنان روستایی به وجود نیاید.

وقتی به خانه‌ی یکی از خویشاوندانم که در یکی از روستاهای دور افتاده زندگی می‌کند رفتیم، اولین چیزی که نگاه‌هایم را به سوی خودش کشاند، پخته کردن نان توسط یکی از دختران خانواده بود. تصور در سمت راست قسمت بالایی حویلی قرار داشت. نبود سایه‌بان باعث شده بود که دختران پز حرارت آفتاب و آتش تصور را هم‌زمان تحمل کند.

بعد از احوال‌پرسی مقدماتی با اعضای خانواده، مرا به یکی از اتاق‌هایی که در منزل دوم موقعیت داشت رهنمایی کرد. بعد از نیم ساعت سر و کله سایر اعضای خانواده به شمول پدر و پسرانش پیدا شد. همان دختری که مصروف بختن نان بود برای ما چای آورد.

زمانی که چای در گیلاس یکی از پسران خانواده تمام شد، وی گیلاس را طوری به سوی دوشک که همان دختر بالای آن نشسته بود پرتاب کرد که نزدیک بود گیلاس به زانوی دختر برخورد کند. دختر بدون هیچ واکنشی به سمت چایبر رفت و هیچ‌یک از اعضای خانواده به شمول پدر و مادر به این حرکت پسر شان اعتراض نکردند. رفتارهایی که از این دست که به نحوی تحقیر شمرده می‌شود از نگاه «قانون منع خشونت علیه زنان» خشونت شمرده می‌شود. اما در خانواده‌های افغانستان این نوع رفتارها پذیرفته

ادامه از صفحه ۴

افزایش حضور زنان در نظام تحصیلی؛

تلاش یک دهه برای پویایی

ماده‌ی ۴۳ قانون اساسی: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد»، متعهد است تا برای همه شهروندان کشور بدون تبعیض میان جنس زن و مرد بر علاو‌ی خدمات تحصیلی، تساوی جنس را به شکل عادلانه مدنظر داشته باشد و زمینه‌های افزایش حضور زنان و دختران را در نهاد‌های تحصیلات عالی به عنوان استاد، محصل و کارمند فراهم سازد.

توسعه تحصیلات عالی با کیفیت و دارای شرایط و امکانات مساعد برای تساوی جنس بر مبنای ارزش‌هایی چون: تساوی حقوق، شایسته‌سالاری، همبستگی ملی، مسوولیت‌پذیری و آمادگی برای خدمت‌گذاری به افغانستان دیدگاه وزارت تحصیلات عالی در قبال زنان است که برای تحقق آن فعالیت‌های موثر صورت گرفته و برنامه‌های مفید دیگر نیز روی دست است تا برای افزایش حضور معنادر زنان در نظام تحصیلی کشور به منصفی اجرا گذاشته شود.

افزایش سقط جنین در دایکندی؛

آیا تأثیر کرونا است؟

ادامه از صفحه ۱

زهره نیز مانند حنیفه اکنون از افسردگی ناشی از ویروس کرونا و سقط جنین‌اش رنج می‌برد. او می‌گوید زنان زیادی را می‌شناسد که وقتی به کرونا مصاب شده‌اند جنین‌های شان را از دست داده‌اند.

در همین حال، علی خان آرام، معاون ریاست صحت عامه‌ی ولایت دایکندی به هفته‌نامه نیم‌رخ می‌گوید تاهنوز مشخص نیست که آیا ارتباطی میان ابتلا به کرونا و سقط جنین وجود دارد یا نه؟

به گفته‌ی او، تاکنون ۸۹۰ واقعه‌ی مثبت ویروس کرونا در دایکندی ثبت شده است، اما مشخص نیست که چه تعداد این رقم را زنان تشکیل می‌دهند.

معاون صحت عامه دایکندی می‌گوید: «در شفاخانه‌ی تجرید و تداوی می‌رضان کووید-۱۹ در شهر نیلی تاکنون ۸۹۰ واقعه‌ی مثبت ویروس کرونا به ثبت رسیده است. از این جمع ۸۵۷ تن آنان صحت یاب شده و ۳۳ تن دیگر فوت نموده‌اند. در این آمار تفکیک نکردیم که چقدر زنان و مردان را شامل می‌شود اما زنان نسبت به مردان کم‌تر مراجعه می‌کنند. تا هنوز این گونه آمار هم ثبت نکردیم که زنان باردار از اثر ویروس کرونا فوت شده باشند و یا طفل شان را از دست داده باشند.»

علی اکبر قاسمی از پرستاران شفاخانه ولایتی دایکندی مراجعه‌ی بانوان به شفاخانه به دلیل سقط جنین را می‌پذیرد. اما او می‌گوید تاکنون در این شفاخانه به صورت مشخص کدام مورد سقط جنین از اثر ابتلا به ویروس کرونا را ثبت نکرده‌اند.

آقای قاسمی گفت: «متأسفانه در ولایت دایکندی به دلیل اینکه زنان کارهای شاقه می‌کنند واقعات سقط جنین بسیار زیاد است. امسال هم در این بخش آمار بلندی داریم اما این آمار و ارقام به دلیل متأثر شدن زنان از ویروس کرونا ثبت نشده است و با زنان مراجعه کننده به ما نگفته که به کرونا مصاب شده‌اند. از ماه حمل ۱۳۹۹ تاکنون ۱۴۰ مورد واقعه‌ی سقط جنین در دایکندی به ثبت رسیده است. ولی ارتباط این وقایع با ابتلای مادران باردار به کرونا هنوز مشخص

دستگیر نشده‌اند.»

در همین حال، جمشید رسولی، سخنگوی دادستانی کل کشور در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «همکاری و هماهنگی خوبی میان نهادهای عدلی و قضایی و پولیس وجود دارد. پولیس براساس مکلفیت قانونی و مسوولیت اخلاقی تلاش کرده که مرتکبین جرم و خشونت با زنان را به پنجه قانون بسپارد.»

به گفته‌ی او، «رئیس رسیدگی به قضایای خشونت با زنان بهتر شده است. هیچ پرونده‌ای را نداریم که در مورد آن تحقیق و بررسی صورت گرفته باشد. به همه پرونده‌ها رسیدگی قانونی صورت گرفته، اما اینکه سرعت عمل نهادهای عدلی و قضایی چگونه است و یا فیصله‌ی یک پرونده چه مدت زمانی را در بر می‌گیرد مربوط به اطلاعات و اسنادی است که در مورد یک پرونده ارایه می‌شود.»

او افزود که «حدود ۲۰ درصد دادستان‌های کشور را زنان تشکیل می‌دهند. در سطوح مختلف ۱۵ رئیس در این اداره کار می‌کنند که این نشان‌گر تعهد حکومت در قبال بهبود وضعیت زنان است. در سال جاری ۲۰۸۸ پرونده خشونت با زنان که در سازنوالی‌های کشور ثبت شده همگی تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است. به بخشی از این قضایا رسیدگی شده و شماری نیز در حال طی مراحل قانونی است.»

کمیسیون حقوق بشر، اما می‌گوید که در روستاها و مناطق ناامن کشور که گروه‌های مسلح مخالف دولت فعالیت دارند خشونت‌های بیش‌تری صورت می‌گیرد ولی به خاطر عدم دسترسی زنان به نهادهای حامی زنان و اداره‌های عدلی و قضایی، امکان ثبت قضایا وجود ندارد. عرف و سنت‌های ناپسند، نبود امنیت و ضعف در حاکمیت دولت در ولسوالی‌ها و ولایت‌ها، عدم برخورد قاطعانه با مجرمان و فرهنگ معافیت از مجازات، فساد اداری و سوءاستفاده از موقف وظیفه‌ای، دخالت افراد متنفذ در امر رسیدگی به قضایا، دسترسی محدود زنان به عدالت، فعالیت افراد و گروه‌های مسلح غیرمسوول، حمایت ناکافی از قربانیان خشونت با زنان، بی‌سوادی و سطح پایین آگاهی مردم، فقر و بی‌کاری و افزایش اعتیاد به مواد مخدر؛ منجبت عوامل اصلی خشونت با زنان در افغانستان شمرده می‌شود.

به این مراکز صحنی را نخواهند داشت.

محمد انور شهاب، عضو جامعه مدنی در دایکندی با انتقاد از کمبود تجهیزات و امکانات صحنی در این ولایت می‌گوید «در موج دوم ویروس کرونا و فصل زمستان بسیار سرد دایکندی، باشندگان روستاهای دور دست به خصوص زنان و نوزادان به دلیل نرسیدن خدمات صحنی امکان دارد از بیماری کووید-۱۹ تلف شوند.»

او از حکومت مرکزی می‌خواهد که حداقل شفاخانه‌های مرکز ولسوالی‌های دایکندی را تجهیز کند تا مرکز مریز زنان و مبتلایان به ویروس کرونا کاهش یابد.

در همین حال، علی خان آرام معاون ریاست صحت عامه‌ی ولایت دایکندی می‌گوید در تمام ده ولسوالی دایکندی تیم‌های سیار جهت تشخیص مشکوکین و ویروس کرونا ایجاد شده تا



آنان را به مرکز ولایت جهت تداوی انتقال بدهند. اما محمد انور شهاب می‌گوید که این تیم‌های سیار صحنی به هیچ عنوان پاسخگوی نیازمندی‌های مردم دایکندی نخواهد بود. چون در فصل زمستان با مسدود شدن راه‌های مواصلاتی عبور و مرور اشخاص از ولسوالی‌ها به مرکز و از مرکز دایکندی به ولسوالی‌ها سخت می‌شود که ممکن تلفات می‌رضان افزایش یابد. زنان روستاهای دور دست دایکندی که در جغرافیای خشن و به تعبیر رهبری دولت: «زندان جغرافیایی» زندگی می‌کنند، در چنگال فقر شدید اسیر اند و نبود مواد بهداشتی از مشکل‌های بارز آنان به شمار می‌رود.

برای تجرید و تداوی بیماران کووید-۱۹ وجود دارد. قرار است تا پنج ماه دیگر یک شفاخانه صد بستر دیگر نیز با بودجه‌ی ۷۸ میلیون افغانی در شهر نیلی اعمار شود.

فعالان اجتماعی و باشندگان دایکندی از شیوع مجدد ویروس کرونا و کمبود امکانات صحنی در این ولایت ابراز نگرانی می‌کنند.

مراکز صحنی که برای تجرید کووید-۱۹ در مرکز این ولایت قرار دارد فقط باشندگان مرکز می‌توانند از آن‌ها مستفید شوند.

روستائینیان و باشندگان ولسوالی‌ها به خاطر خرابی راه‌های مواصلاتی در این ولایت و آغاز فصل سرما و برف‌باری زمستان امکان دسترسی

نیم‌رخ دیگر



دیدگاه

کوه صمد رستکار

نیروی زنان توانمند در تغییر جامعه‌ی بشری

در حدود نیم سده پیش از امروز در تمام کشورهای خاورمیانه وضعیت زنان فاجعه‌تر و رقت‌بارتر از امروز بود. آن‌ها زنان در موقعیت بدی از زندگی به سر می‌بردند و رنج‌ها و مشقت‌ها را متحمل می‌شدند. به گونه‌ی مثال: در عربستان زنان عمرشان را در حرم‌سراها به سر می‌بردند و از اتفاق‌های بیرون آن هیچ‌گونه اطلاعی نداشتند. اگر بر حسب اتفاق از حرم‌سرا بیرون می‌شدند، به این معنا که بر زندگی شان خط بطلان کشیده بودند و دیگر زنده نمی‌ماندند. در پاکستان و افغانستان در دهکده‌های سنتی و دورافتاده دختران تا موقع ازدواج همسرشان را نمی‌دیدند و فقط پدر این حق را داشتند که همسری برای آینده‌ی دخترشان برگزینند. در این زمینه «خوشبختی و بدبختی» رنگ خودش را باخته بود و این واژه‌ها برای پدر اهمیت نداشت که متأسفانه هنوز نیز چنین سرنوشتی جریان دارد. در هندوستان بیوه‌ها به حدی زیاد شده بودند که خانه‌های امن برای نگهداری آن‌ها مکان کافی نبود. در آن صورت زنان بیوه را در زمین‌های بزرگ که اطراف آن احاطه شده بود نگهداری می‌کردند. چون زنان بعد از فوت شوهرهای شان حق دوباره شوهر کردن را نداشتند، هرچند بعدها این قانون نقض شد؛ اما با آن‌هم زنان دیگر تمایل به ازدواج دوباره نداشتند.

اما اکنون و در این برهه‌ای از تاریخ؛ زنان توانمند با تمام قدرت دست داشته‌ی شان همکار و هم‌رزم مردان در جهت تصمیم‌گیری‌های بزرگ ملی سهیم اند و در هر گوشه‌ای از دنیا تلاش می‌کنند تا حق شان را از کام مردسالاران و آن‌هایی که هنوز اندیشه‌های خرافاتی را در ذهن می‌پرورانند، بگیرند. این یک مبارزه است.

ما امروز شاهد اشتراک زنان در مبارزه‌ها، همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نشست‌های بزرگ هستیم و اندیشه‌های ناب آن‌ها را به تماشا می‌نشینیم. سهم فعال زنان در تعیین سرنوشت جامعه حساس و قابل تأمل است و باید در این قسمت با آن‌ها همکار بود.

یک مثال واضح نمایش قدرت زنان امروز، مبارزه‌ی مدنی زنان در هند است. در آگواها یا مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز در هند، زنان در خط مقدم قرار داشتند و هرکدام تابلوی به دست داشتند که روی آن‌ها نوشته بود: «ما قانون نمک را شکستیم» در این مبارزه گاندی از آن‌ها نخواست که بود که اشتراک کنند ولی آن‌ها خودشان این توانایی را درخور شأن شان می‌دانستند و آن را ثابت کردند. گاندی بعد از موفقیت در این مبارزه چنین گفت: «هیچ انقلابی را نمی‌توان عظیم تلقی کرد مگر آن‌که زنان در یک کشور و نحوه‌ی زندگی شان را دگرگون کنند. بدون زنان هیچ انقلابی پیروز نمی‌شود. شاید زنان از لحاظ روحی نیروی صد برابر مردان دارند. اگر می‌توانستیم ارتش آزادی هند را از زنان تشکیل دهیم، بدون شک قبل از یک سال به پیروزی می‌رسیدیم.»

زنان قدرت‌مند در ابتدا شبیه پروانه‌ها از لایه‌های ابریشم بیرون شده و بی‌آزار زندگی می‌کردند؛ ولی جور و ستم زمانه آن‌ها را به پروانه‌های آهنین و مقاوم تبدیل کرده است که در برابر تمام نابسامانی‌ها «نه» گفته و ایستادگی می‌کنند.

کشور یکی دیگر از عمده‌ترین فعالیت‌هایی است که وزارت تحصیلات عالی انجام داده است. همین اکنون زنان به عنوان رییس، معاون، مشاور، آمر، استاد و... در سطوح مختلف نظام تحصیلی دوشادوش مردان برای بهبود این نظام کار می‌نمایند.

حضور زنان در تحصیلات عالی و دانشگاه‌ها به مثابه‌ی نهادهای تحصیلی نسبت به اکثر وزارت‌خانه‌های دیگر امیدوار کننده است؛ با آن‌هم وزارت تحصیلات عالی کشور سعی می‌ورزد تا روند حضور زنان را در سطح رهبری و تصمیم‌گیری این وزارت بیش‌تر سازد و نقش‌های کلیدی و مسؤولیت‌های عمده را به عهده‌ی آنان بسپارد. نقش زنان در رهبری و تصمیم‌گیری در ولایت‌ها متفاوت است، در بسیاری از ولایت‌ها فرصت‌های مشارکت زنان در رهبری به نسبت بهتر است اما در بعضی ولایت‌ها به خاطر چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و امنیتی نگرانی‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که حضور زنان را در سطوح مختلف اداره‌ها محدود می‌سازد.

وزارت تحصیلات عالی مشکلات موجود بر سر حضور زنان را با جدیت بررسی کرده و با تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌ها، راه‌های غلبه بر آن را تدوین کرده است که از جمله می‌توان استراتژی جنسیتی و پالیسی منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی در نهادهای تحصیلات عالی را نام برد. این وزارت با نظارت مداوم، تطبیق پالیسی تبعیض مثبت،

صفحه ۳



پژوهش

کوه حسین رهیاب بلخی

۳۰ ساعت و بیش‌تر، خارج از خانه کار می‌کنند. حدود ۳۰ ساعت نیز در خانه فعالیت دارد. (همان ص ۱۶۶)

«براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی زنان به طور متوسط دو برابر ساعت کار مردان در شبانه روز کار می‌کنند. بر طبق آمار سازمان ملل تنها ارزش کارهای خانه که بدون مزد انجام می‌شود، بین ۱۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص در سراسر جهان است.» (جمیله کدیور، زن، ص ۱۰۹)

۴- زنان و تحقیر جنسیتی
تحقیر جنسیتی و رفتار تبعیض‌آمیز جنسیتی دو شکل بزرگ رفتارهای تحقیرآمیز مردانه است که در دنیای مدرن زنان را رنج داده و گرفتار کابوس‌های زندگی می‌کند. گرچه تحقیر جنسیتی توسط مردان سابقه ممتد دارد اما جهان مدرن به آن رنگ و بو و جلوه‌ی دیگری داده و روش‌های تحقیر و توهین به زنان را متحول و متنوع کرده است. برای نمونه:

«... یک محقق ارشد در دانشگاه کمبریج با پنج‌صد دختر از نواحی مختلف انگلستان مصاحبه کرده است. او معتقد است چهل و پنج درصد از دختران ادعا می‌کردند در این دوره [نوجوانی] تمرکز خود را از دست می‌دهند. نیمی از تمام دستشویی‌های مدرسه که برای این دختران در نظر گرفته شده است در مدت برگذاری کلاس قفل بودند، و زمانی که باز بودند، نیمی از آن‌ها فاقد قفل یا کاغذ توالت بودند، حتی بیش‌تر آن‌ها صابون یا سطل زباله نداشتند. میزان امنیت و حتی وسایل نظافت در کترین حد خود بود. دختران ناگزیرند که لوازم بهداشتی را با خودشان همراه ببرند. یکی از متداول‌ترین نوع شوخی با دختران این شده است که کیف او را بیرون بریزند تا محتویات

صفحه ۲

افزایش حضور زنان در نظام تحصیلی؛

تلاش یک دهه برای پویایی

بسیاری بخش‌ها کارهایش را از نو شروع کرد و جان تازه گرفت. در این سال زنان از نقش کم‌تر در تحصیلات عالی برخوردار بودند و زمینه‌ی مناسب بنا بر دلایل متعدد برای آن‌ها جهت حضور در نهادهای تحصیلی مساعد نبود؛ اما در چند سال اخیر نقش و حضور زنان در تحصیلات عالی سیر صعودی خود را می‌پیماید. وزارت تحصیلات عالی جهت حمایت هرچه بیشتر زنان زمینه تحصیلات عالی را در مقاطع مختلف در خارج از کشور برای آنان نیز



فراهم نمود و توجه نهادهای تحصیلی خارجی را جهت حمایت زنان جلب کرد که از این میان پوهنتون آسیایی زنان برای زنان سالانه ۵۰ سیت بورسیه تحصیلی را برای زنان اختصاص می‌دهد و همچنان این وزارت زنان و دختران را جهت ادامه تحصیل به کشورهای مختلف فرستاده است. حضور زنان در سطح رهبری نظام تحصیلی

در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت. تعداد دانشجویان زن در مؤسسه‌های تحصیلات عالی خصوصی نیز از ۲۶۶۹ تن در سال ۱۳۸۹ به ۵۲۶۹۶ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت و تعداد استادان زن در مؤسسه‌های تحصیلات عالی خصوصی از ۵۶ تن در سال ۱۳۸۹ به ۱۶۱۷ تن در سال ۱۳۹۷ افزایش را نشان می‌دهد. همچنان در سال ۱۳۹۸ از میان ۱۴۲۳۸۶ محصل در نهادهای تحصیلی دولتی ۵۴۸۶۱ تن آن دختران اند و این رقم با گذشت هر سال افزوده می‌شود. امروز تمام نهادهای



تحصیلات عالی خصوصی و دولتی شاهد حضور بیش از ۴۰۰ هزار محصل هستند که ۲۸ درصد آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند. طی هفده سال گذشته، تحصیلات عالی در افغانستان کوشیده است تا بخشی از فقر قوای بشری را با تریه جوانان این کشور جبران کند. در سال ۱۳۸۱ تحصیلات عالی افغانستان در

دستیابی به تحصیلات عالی و برخورداری از مهارت‌های بالای علمی، از کلیدی‌ترین عوامل رشد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فردی و گروهی است. تغییر و تحول در شیوه‌های زیست و تغییر پارادایم جهان از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی؛ اخذ تحصیلات برتر برای رسیدن به شغل‌های خوب، کسب هویت ممتاز و شخصیت بالایی اجتماعی را ضروری ساخته است.

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافته‌گی یک کشور، میزان اهمیت، دانش و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. تلاش برای فراهم‌سازی تحصیلات رسمی زنان و دختران در افغانستان، تاریخ طولانی دارد. در سال ۱۲۹۸ ه.ش در دوره پادشاهی امان‌الله خان نخستین فرصت‌های تحصیلی برای زنان فراهم شد. این فرصت‌های تحصیلی هم‌زمان با تأسیس دانشگاه کابل در سال ۱۳۱۱ ه.ش آغاز شد و این روند کماکان تا سال ۱۳۷۱ ه.ش ادامه یافت. در جریان سال‌های ۱۳۶۰ تا اواخر ۱۳۷۰ که تعداد بیش‌تر جوانان به خدمت سربازی سوق داده شدند، دانشجویان دختر بیش‌تر در تحصیلات عالی جذب شدند. تا سال ۱۳۶۹ تعداد جذب دانشجویان دختر رو به افزایش بود، ولی طی دهه‌ی ۷۰ کاهش فزاینده‌ای یافت تا آن‌که در دوره حکمیت طالبان مکتب‌های ثانوی و دانشگاه‌ها به روی زنان مسدود شد. در سال ۱۳۸۱ مؤسسه‌های تعلیمی و تحصیلی به روی زنان دوباره گشوده شد و روند ورود دختران در مکتب و مؤسسه‌های تحصیلات عالی افزایش یافت. تعداد دانشجویان دختر از صفر در سال ۱۳۸۱ به ۴۹۰۶۷ تن در نهادهای تحصیلات عالی دولتی در سال ۱۳۹۷ رسید. همچنان تعداد استادان زن از ۲۰۴ تن در سال ۱۳۸۱ به ۸۲۲ تن

زنان در مسیر تاریخ

قسمت بیست و سوم

«اگر زنان خانه‌دار ساعات چنین طولانی صرف کار خانه می‌کنند، زنانی که هم در خارج از خانه به کار اشتغال دارند و هم دارای همسر و فرزند هستند چگونه به وظایف خانگی خود می‌رسند؟!» در آمریکا در ۱۹۵۰ زنان متأهل شاغلی که شوهر و فرزندان زیر شش سال داشتند، تنها ۱۱٫۹ درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دادند در حالی که این میزان در سال ۱۹۸۸ به ۵۳٫۸ درصد از نیروی کار رسید. (همان ص ۱۵۶)



«در تحقیق که در مورد ۱۲۹۶ زوج شاغل در ایالت نیویورک صورت گرفته بود، مشخص شد که زنان شاغل در حدود ۷۰ درصد از کار خانه را شخص انجام می‌دهند، در صورتی که همسران آن‌ها تنها ۱۵ درصد و فرزندان نیز ۱۵ درصد دیگر از کار خانه را انجام می‌دهند. زنان خانه‌دار حداقل به ۴۰ ساعت و زنان شاغل حداقل به ۳۰ ساعت وقت برای کار خانه نیاز دارند. زنی که

را می‌خواهند که مادران شان داشتند و برای خانواده شان بیش از آنچه خود در کودکی داشتند می‌خواهند.» (همان ص ۱۷۳)
«حضور زنان متأهل در کارخانه‌ها به هیچ وجه قابل تحمل نیست زیرا این بلایی است که رفته رفته زندگی جمعیت کارگر ماهر را خراب می‌کند.» (دنیای زنان ص ۱۹۸)
«مردان حدود ۱۵ درصد از فعالیت‌های خانگی را انجام می‌دهند ۵۵ درصد زنان خانواده‌های کارگری غیر شاغل روزانه بیش‌تر

زنان در دنیای مدرن
«... بیش از بیست سال است که قانون برابری حاکم است ولی تغییر اساسی ناچیزی در اختلاف درآمد مردان و زنان به وجود آمده است... اختلاف بین دستمزد بیش‌تر مردان و زنان که درآمد متوسط یا ناچیز دارند، در حقیقت بیش‌تر شده است. قوانین دستمزد برابر و تبعیض جنسی تصور می‌شود که از منافع زنان حمایت می‌کند، اما در واقع در عمل این قوانین ناکارآمد هستند.» (همان ص ۲۳۶)

«هنگامی که قانون پرداخت حقوق برابر در سال ۱۹۷۰ تصویب شد در تعداد کمی از شغل‌ها که هر دو جنس یا هم‌دینگر کار می‌کنند توانست درآمد و حقوق تعداد اندکی از زنان را افزایش دهد.» (همان ص ۲۳۶)

«بسیار آسان است که فرض کنیم حقوق نابرابر، تبعیض جنسی و اخراج از کار به دلیل حاملگی صرفاً به این دلیل حذف شدند که غیر قانونی بودند، ولی زنان تنها زمانی در می‌یابند که چقدر حقوق کمی دارند و قانون و سیاست‌های فرصت‌های برابر برای حمایت از منافع آن‌ها تا چه حد ضعیف است که از طریق قانون عمل می‌کنند.» (زنان و تبعیض ص ۲۲۵)

«زنان تاوان علاقه به مادر شدن و نیاز به کار کردن را می‌پردازند. خطر این جاست که رودخانه عذاب وجدان که بسیاری از مادران شاغل در آن شناورند نسل بعدی را در کام خود خواهد کشید.» (همان ص ۱۷۳)
«مادران برای خودشان بیش از آن چیزی

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنپان
- سر دبیر و ویراستار: ملک مبارز
- گزارشگران: حسین احمدی، لطیفه سادات موسوی و عادلہ آذین
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اولیا عماد
- توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیر نظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان

- خوانندگان عزیز؛ نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.
- جز رویکرد نیم‌رخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته‌نامه‌ی نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.



(هفته‌نامه نیم‌رخ) NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

0798898894